

استانی مگر آن عالم نای غده صرور بر مقوله سید معلوم اولد بیکه سیر
دخی محمد که تکلیف مضاحت کلی و نظیره بلانیت لیلی ایدون کنش سیر
محمد در اولان حسن حدیث و صدق لوی و حلاوت منطق نچرا کم فضی
عالم و خاطر نوبت مخالفینان عیب و عجز ایدون فیم تمیز سیر
حرف و ملاحت دو عالم نشان لیلی و هزار تک کام از و نشان
سیاهی تکلم از تک شور انگیزه و اما آن قسم از شکر مالان
بر قی فبیلد زول اجمال صالحه بی شراف و اداری بر که آنکله
چین کلام در درباری اولد زره و اربوا در جان ایداری اولوب تطرات
ایکین حیح اولد حق کفر اولان اولور **سراج** شود قطره و قطره در
اندک سیل زمان کبی بوپن دشت ملک حجازه از صیالوب جله کوزه آتش
زن خرم جوش و نسل اولور دیوب ستمه کونید و بک اولد فقه مثل نیم
اروج سیم دمان از خاسندن انبار مرات بدیان ایدوب نیم
مخاک را نود و عقلمه رای دین کامل العیار بودر که به قربیلدن
بر و بهاد و خویز ما نشد شیر شیر از نجاب اولوب جمای کبیرت همواره
الاسر حجان در بر جمله محمد بدن بلورین لولو سیماسندن لعل نشان

اولد بر وجهه که سماه ملکوت پهای روحی پروازگاه دعا بر آن
سراج یارب زبان سرزه در ایش بریده باد بو نقد بره بران و
پریشان اولان خون محمد بدن هر قومه بر قطره فان و دوشوب شمعان
بنی عجب منافق سابر بر بنشینان قابل اعبا بلدم باری مقاومت
اورده مزار با جار مصافحه اصنام مالان بدل مصافحه سراج قتال اولد
قبول دیتیه راضی اولور و دیدکده بخدی شتی بوری شجیده میزان قبول
طوبت کلبا تکس بن و زنده افزین چکدی سابر غلا کفار
دخی پسند رای ایل جمل ایدوب احسن اصبت یا ابا حکم و عطر
محمد سلطان اولد بلور بوری قرار داده اوزره سر رشته تیره
فصل بتورب اندن و کار پریشان جلال کبی متروق اولد بک
قرینه حال حضرت راز ورنده بارگاه جلال و سگاه دارنده
رساله نیدی و کلید ستمه رس تجت و سلام اولوب نیدیا رسول
خلایق جهان افزین جل شان فرمان ایدر که سن کویچه جاده کوه
با بوسن سخن کندی بستره صفا کسترده اغوش دلام خواب تیسین
و در دیکر شده خرام نهفت ایدوب سر زمین نیر بر توحید طیه جیوت